



## بحران منطقه پس از اشغال عراق

سیامک

فورماسیون اقتصادی - اجتماعی حاکم بر کردستان را روابط و مناسبات سرمایه داری در ترکیب با روابط اجتماعی سنتی و عشیره‌یی سخت جان بازمانده از روابط و مناسبات دوران ماقبل سرمایه داری تشکیل میدهد. جامعه کردستان و افشار و طبقات زحمتکش کرد در حالی روابط و مناسبات تولیدی بورژوازی را پذیرا شدند که نه تنها روابط تازه حاکم رشد طبیعی خود را طی نکرده بود بلکه با تشدید فشار بر افشار و طبقات زحمتکش روستایی و شهری، خود زمینه ساز پیدایش و حاکمیت چنان روابط استثمارگرانه و ظالمانه‌ای شد که خیل عظیمی از زحمتکشان را در معرض نابودی و خانه خرابی ناشی از بسط و گسترش روابط و مناسبات تولید و توزیع وابسته به خود قرار داد. کردستان عراق بعنوان منطقه‌ای عقب مانده در چهارچوب کشوری وابسته و عقب مانده خود بستر مناسبی برای گسترش تعارضات گوناگون اجتماعی و سیاسی در صد سال اخیر بوده که علیرغم ماهیت اساساً مترقی جنبش ملی در این منطقه از کشور عراق خود اساسی ترین مستمسک و حربه در دست بورژوازی کرد برای نفوذ و بسط و در نهایت حاکمیت روابط و مناسبات جدید در تقابل با روابط و مناسبات کهن و حاکمیت سیستم فئودالی بود. تشدید سرکوب از جانب ملت غالب و تندتر شدن حلقه‌های اسارت و تحقیر ستم ملی بر دست و پای توده‌های زحمتکش خلق کرد، بورژوازی کرد و عرب را در مراحل بسیار حساس تاریخی و در ضعف و یا عدم وجود جنبش و رهبری پرولتری و انقلابی که بتواند با شناخت و تحلیلی دقیق از شرایط موجود مبارزه طبقاتی توده‌های زحمتکش را در راستا و همگام با مبارزه برای رفع ستم ملی به پیش برد و تضاد طبقاتی را از کانال رفع ستم ملی حل نماید، به سازش و سودا بر سر مسائل جنبش و سرنوشت خلق کرد کشانده است. آنجا که زنگ خطر با تعمیق جنبش برای تمامیت بورژوازی حاکم و خواهان سهم بیشتر به صدا در آمده، استثمارگران یک رأی و یک صدا بر ایجاد رفرم در ساختار اقتصادی و ابناً روابط اجتماعی قومی و عشیره‌یی اصرار ورزیده و جنبش خلق کرد را در دایره کوچکی از رفرمهای مورد تقاضای بورژوازی کرد محدود کرده و در صورت بروز جنبشهایی که از هر نقطه دیگر کردستان با خواستهای رادیکال به سازماندهی خلق کرد اقدام ورزیده اند به اتهام اغتشاشگر - مداخله جو - تجزیه طلب و دشمن تجارب تاریخی ملت کرد با یرحمی و شقاوت مورد حمله قرار داده و یا در نطفه و در آغاز شروع چنین جنبشهایی ابتدا آنرا در محیط جغرافیایی کوچکی محدود کرده و در نهایت آنرا از

بقیه در صفحه ۲

## دستگیری صدام سرور راست،

شماره ایرانی

## سکوت چپ و تکلیف مردم

بنا به گزارش‌های رسیده شبه شب ۱۳ دسامبر نیروهای اتحادیه میهنی کردستان در یک عملیات مشترک با نیروهای اشغالگر امریکایی موفق به دستگیری صدام حسین رئیس جمهور عراق که سالها با تکیه به نیروی پلیس و سرکوب بر مسند قدرت نشسته بود، شد. اولین منبع پخش خبر دستگیری صدام ایرنا (خبرگزاری رژیم جمهوری اسلامی) بود که به نقل از جلال طالبانی این خبر را به تمام جهان رله کرد. منابع امریکایی در عراق ظهر روز بعد یعنی بیش از ۱۵ ساعت بعد از دستگیری صدام خبر را تأیید کردند. دلیل اقدام سریع جلال طالبانی در پخش خبر و تعلل مقامات امریکایی در تأیید آن هر چه که باشد شاهدهی است بر عدم همخوانی و هماهنگی سیاست و رفتار این نیروها که بررسی آن با توجه به اسناد و مدارک موجود هنوز ممکن نیست و نمی‌تواند موضوع این مقاله باشد.

دستگیری صدام حسین در جای خود بدون شک به معنی حذف کامل وی از معادلات سیاسی عراق و منطقه بود که موضوع حذف یک

بقیه در صفحه ۴

## در صفحات بعد:

- نشریه ریگای که ل شاه ۲۴ ارگان کمیته ایالتی کردستان... صفحه ۵
- پیرامون وضعیت مجاهدین! صفحه ۶
- خطر استرداد بخشی از اعضای سازمان مجاهدین... صفحه ۷
- پیام تبریک به مردم عراق... صفحه ۷
- مواجهه با رفقا مصطفی حبیبی وند و مجید پیرامون زندان! صفحه ۸
- چند خبر صفحه ۱۱
- نامه سرگشاده کارکنان شرکت ملی نفت ایران ... صفحه ۱۳
- آخر آری نین ۲۱ جی گوئی آذربایجاندا صفحه ۱۳
- نامه سرگشاده جمعی از زنان ایرانی تبعیدی... صفحه ۱۴
- پیام کمیته ایالتی آذربایجان به رفقای... صفحه آخر

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

## بحران منطقه پس از اشغال عراق

بقیه از صفحه اول

کردستان عراق (حزب کمونیست کردستان عراق) نامگذاری شد و همواره پرچمدار دفاع از سازش طبقاتی و سردادن شعارهای ناسیونالیستی صرف بوده که آنرا بخوبی میتوان در شعار استراتژیک این حزب با عنوان ((میهنی آزاد و خلقی سعادتمند)) مشاهده نمود، شعاری که علیرغم ظاهر فریبنده آن خالی از محتوی بوده و در برگیرنده هیچ کدام از خواستههای عدالت جویانه و رادیکال توده های تحت ستم حتی رفع ستم ملی مورد ادعای حزب برادرو همچنین احزاب پیرو خط و مشی چینی نبوده و نیست. اساساً چپ کردستان همواره و در طول تاریخ با طبقه کارگر و خواستههای آن بیگانه بوده و بنا به خاستگاه طبقاتی خود همواره در خدمت منافع خرده بورژوازی متوسط و مرفه روستایی و شهری و در نهایت تسلیم بورژوازی کرد و خواستههای ناسیونالیستی آن بوده است. و دلیل این امر مستقیماً به خاستگاه طبقاتی هر کدام از این گروهها و احزاب برمیگردد، چرا که هیچ کدام از آنان اساساً دارای خواستگاه طبقاتی پرولتری نبوده و دفاع از منافع پرولتاریا را بعنوان استراتژی خود تعیین نکرده اند. آنها در بهترین حالت و انقلابی ترین مواضع همانا در جبهه زحمتکشان روستایی و دفاع از منافع آنان گام بر داشته اند و با تکامل شیوه های تولید و بسط روابط و مناسبات عالتر در روستاها و شهرها سرنوشت تاریخیشان را همانا منافع طبقاتیشان تعیین کرده است.

جنگ سال ۱۹۹۱ خلیج و قدرت گیری بورژوازی کرد در مناطق شمالی فعالیتهای بورژوازی تجاری کرد را چنان قوام بخشید که نبض اقتصاد و زندگی عموم اقشار و توده ها را در دست گرفت و تمامی فعالیتهای تولید و توزیع داخلی را تحت تأثیر سرمایه گذارهای خود قرار داده و با وارد کردن کالاها و سود حاصل از آن بر سرمایه گذارهای خارج از کشور خود در کشورهای همسایه آنها در بخشهای خدماتی افزوده است. عمده فعالیتهای اقتصادی توده های روستایی و شهری نیز در حول و حوش بازار و در بخش توزیع گرد آمده است. این وضعیت بعد از جنگ سال ۲۰۰۳ و سقوط حکومت مرکزی عراق، در کردستان تشدید شده و با حذف تعرفه های گمرکی بر کالاهای وارداتی دایره قدرت و اختیارات بورژوازی تجاری گسترده تر از پیش شده است. از طرفی گسترش جنگهای پارتیزانی و عملیات چریک شهری در مناطق جنوبی و بغداد و مرکز و شمال عراق و بخصوص در اطراف مناطق نفت خیز یعنی کرکوک و موصل شریان اقتصادی این مناطق را بسته نگهداشته است و امنیت سرمایه گذاری در بخش صنعت نفت را از سرمایه داران داخلی و خارجی سلب نموده است. طبعاً توقف این بخش از فعالیتهای اقتصادی که عمده و اصلی ترین فعالیت اقتصادی و تولیدی کشوری مثل عراق را تشکیل میدهد اثرات منفی و صد در صد خود را بر بخشهای دیگر از قبیل

بقیه در صفحه بعد

مسیر اصلی منحرف کرده تا اینکه بعد از انفعال طولانی مدت بر سر اصول و استراتژی خود مفاشات کرده و در خدمت منافع بورژوازی کرد که خواهان رفرم و مطالبه سهم بیشتری است در آیند. اما همانطور که پیشتر نیز متذکر شدیم در عصر حاکمیت امپریالیستی و حاکمیت ظاهری حکومتهای دست نشانده و وابسته وجود تضادهای عدیده طبقاتی - ملی - مذهبی و ... در کشورهای سرمایه داری با بافت چند ملیتی تضاد ملی و مبارزه برای رفع ستم ملی از جانب خلقهای تحت ستم خود تضاد و درگیری با حکومت مرکزی و برخورد منافع با بورژوازی حاکم و در نهایت برخورد منافع و تضاد با امپریالیسم را ناشی میشود و اساساً دارای ماهیتی انقلابی و مترقی است.

در طول بیش از ۴۰ دهه گذشته بورژوازی صنعتی و تجاری قدرت سیاسی و اقتصادی کشور عراق را به تمامی در قبضه قدرت خود داشته و در مقطع بحران سال ۱۹۹۱ با تسلط گروههای ناسیونالیست کرد بر مناطق شمالی و رکود صنایع مونتاژ در مناطق شمالی و یا محروم بودن این مناطق از استقرار صنایع کلیدی و مهم عملاً بورژوازی تجاری کرد یکه تاز میدان شد و از این رهگذر اکثر فعالیتهای اقتصادی و امرار معاش خلق کرد در چهارچوب فعالیتهای توزیع و یا مربوط به توزیع کالا، دلالتی و واسطه گری، شغلای کاذب و غیر تولیدی بازاری حول و حوش بازار محدود شده است. جنبش چپ و کارگری نیز در عراق تنها در دهه های ۶۰ و ۷۰ میلادی آنها عمده در شهرها و مناطقی که کارگران صنعت نفت در آنجا مبارزه متحد و متشکل خود را به پیش برده اند از توان و ظرفیتهای بالایی برخوردار بوده ولی این خود جدا از سازمانهای چپ و دیدگاههای حاکم بر این سازمانها و احزاب بوده که عمده احزاب برادر و پیرو حزب کمونیست اتحاد شوروی بوده و در کردستان عراق با توجه به بافت عشیره ای و روابط و مناسبات تولیدی حاکم بر این منطقه و همچنین سنتهای مبارزاتی پذیرفته شده در نزد خلق کرد زمینه های بروز و فعالیت احزاب و سازمانهای پیرو خط و مشی چینی با خاستگاه طبقاتی دفاع از منافع خرده بورژوازی فقیر و تهیدست روستایی نظیر کومله رنجبران کردستان عراق مهیا شد که این دست احزاب نیز با فعالیت در مناطق روستایی آن و تعمیق مبارزه طبقاتی در مناطق شهری و روستایی، خط سیر تاریخی خود را طی کرده و صف بندی طبقاتی خویش را مشخص کرده و در کوتاه مدتی بعد از رفرمهای اوایل دهه ۷۰ به بعد و رشد سرمایه داری در کردستان و مناطق روستایی آن زمینه های نزدیکی و ادغام آنان در گروههای ناسیونالیست خرده بورژوا نظیر اتحادیه میهنی فراهم شد. تفکر غالب دیگر بر جنبش چپ در کردستان تفکرات احزاب برادر و رویزیونیست پیرو حزب کمونیست شوروی نظیر سازمان کردستانی حزب شیوعی عراق (حزب کمونیست عراق) بوده که بعدها به نام حزب شیوعی

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## بحران منطقه پس از اشغال عراق

بقیه از صفحه قبل

خدمات و .. گذاشته و موجب تشدید اوضاع وخیم اقتصادی و معیشتی حاکم خواهد شد. و روز بروز توده های بیشتری را به مقابله با وضع موجود و تلاش برای تغییر آن فرا میخواند. در کشوری که خود یکی از منابع بزرگ گاز و نفت خاورمیانه و جهان است اینک نبود مواد سوختی عرصه را بر زندگی و معیشت توده ها تنگ نموده. اوضاع بحرانی عراق پس از اشغال، امپریالیسم آمریکا را به فکر مشارکت کشورهای هم پیمان منطقه ای خود از جمله ترکیه در بحران عراق انداخته و این موضوع نه تنها راه حلی برای حل بحران و تأمین امنیت در کشور عراق نیست بلکه مناطق نسبتاً آرام همانند کردستان را درگیر بحران خواهد کرد و حساسیتهای بیش از حد توده های ستمدیده خلق کرد نسبت به حضور نیروهای ترکیه در خاک عراق و بخصوص کردستان منجر به نافرمانی بخشی از بورژوازی کرد نسبت به سیاستهای امپریالیسم آمریکا خواهد شد. گسترش بحران موجود تنها منجر به تقسیم عراق و نا امنی بیشتر خواهد شد. آنچه که مسلم است امپریالیسم آمریکا خود بر زمینه های گسترش بحران واقف است و در نهایت بمنظور کاهش فشار بر نیروهای خود در عراق و جلوگیری از شکست سیاستهایش به این امر یعنی درگیر کردن کشورهای منطقه در کشور در اشغال عراق و گسترش بحران کمک خواهد کرد و نشانه های این تلاش از همان آغاز جنگ و در تداوم آن با فشار و تطمیع ترکیه در ارسال نیرو به عراق و باز گذاشتن دست جمهوری اسلامی در انجام نفوذ به داخل خاک عراق و انجام برخی اقدامات از جانب این دولتها به خوبی مشاهده شد و در آینده نیز با توجه به موفقیت یا عدم موفقیت برخی طرحهای امنیتی بمنظور تأمین امنیت تداوم سیاستهای فوق دور از انتظار نیست. بدون مشارکت اجرا و تداوم سیاستهای غارتگرانه امپریالیسم آمریکا و درگیر شدن سرسپردگان منطقه ای امپریالیستها در بحران عراق امکانپذیر نبوده و نخواهد بود. آنچه که مسلم است امپریالیسم آمریکا در اجرا، تداوم و موفقیت طرح و سیاستهایش در منطقه از اهرمهای بسیاری نظیر فشار و تطمیع در داخل و خارج کشور عراق و همچنین استفاده از دلالتها و واسطه های سوخته ای نظیر جریانهای متشکل در شورای موقت حکومتی حاکم بر عراق در جهت مشارکت کشورهای منطقه در بحران عراق استفاده میکند و بسته به شرایط متفاوت هر کدام از شیوه ها را برای نجات از بحران موجود به کار می بندد. اگر دستاویز جنگ در ابتدا سرنگونی دیکتاتوری صدام و برچیدن سلاحهای کشتار جمعی بود اینک و بعد از گذشت قریب به ۸ ماه از اتمام جنگ رئیس جمهوری آمریکا حامل پیام از خط مقدم جبهه برای مردم آمریکاست و پیام سرکوب و وحشیگری، بمباران و به گلوله بستن مردم در خیابانهای شهرهای عراق توسط نیروهای اشغالگر را به گوش جهانیان و مردم آمریکا میرساند. اینک او پیام آور بیکاری، خانه خرابی و گرانی

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## بحران منطقه پس از اشغال عراق

بقیه از صفحه قبل

قضایی سازمان ملل خواهد بود که با نظارت امپریالیسم جهانی صدام را محاکمه و کشورها و شرکتهای امپریالیستی و دولتمردانی را که زمانی دست در دست صدام داشتند و در جنایات وی سهیم بودند تبرئه خواهد کرد.

سوم اینکه معلوم نیست حال که امریکا که ظاهراً به اهداف رسمی خود از اشغال عراق رسیده است، آیا بالاخره این کشور را ترک خواهد کرد و یا بهانه‌های تازه‌ای برای ادامه اشغال و گسترش جنگ در منطقه خواهد تراشید.

این فاکتورها و احتمالاً مسایل دیگری بخشی از چپ را آنچنان دچار سرگیجه و دغدغه فکری کرد بجای هرگونه موضع گیری در این رابطه ترجیح دادند سکوت اختیار کنند. برای آن بخش از چپ جهانی که در بلشوی جنبش ضدجنگ از موضع گیری در رابطه با مسایل داخلی عراق و مسأله دموکراسی در عراق ظفره می‌رفت، و امروز خود را در برابر روند تحولات مات و مهبوت و بی‌موضع می‌یابد، سکوت طبیعتاً بهترین موضع گیری است. اما برای آن بخش از چپ که مبارزه با امپریالیسم را از مبارزه با سرمایه داری جدا نمی‌داند، مسأله دستگیری صدام توسط نیروهای امپریالیست و همکاران امروزشان یک آزمون نظری و عملی بود. و برای آن بخش از چپ رادیکال ایران که به واسطه همجواری با عراق و چنددهه همکاری با اپوزیسیون این کشور - بخصوص اپوزیسیون

کرد - و ارائه پیام‌ها و تحلیل‌های عریض و طویل در مورد مبارزه مشترک و هم‌سرنوشتی خلق‌های ایران و عراق و حتی ایجاد احزاب برادر در عراق سکوت نه جایز است و نه شایسته.

سازمان ما تنها سازمان کمونیست ایرانی بود که در این شرایط با اندیشیدن در عمق ماجرا به لزوم موضع گیری و اهمیت حفظ ارتباط با خلق‌های عراق و جنبش خودجوش مردم این کشور برای دموکراسی و علیه امپریالیسم واقف بود و از اینرو لازم دید که در مورد دستگیری صدام اعلام موضع کند.

شکی نیست که روند تحولات در عراق با دستگیری صدام و اضمحلال حزب بعث برگشت ناپذیر خواهد بود. پان‌عریسم حزب بعث و پروژه‌های تحمیل هویت عربی به خلق کرد و مذهب تسنن به شیعیان این کشور به پایان خود رسیده و این نقطه عطفی در روند دموکراتیزاسیون عراق و پایان یک دوره سیاه از تاریخ دیکتاتوری در عراق است که در جای خود از اهمیت تاریخی برخوردار است. در موضع گیری نسبت به تحولات عراق باید از این منظر به بررسی اهمیت دستگیری صدام پرداخت. از سوی دیگر و با توجه به اینکه امپریالیسم

در این گوشه از کره‌خاکی در گردابی عمیق گرفتار نموده و پوچی و سرسپردگی ارتجاع منطقه‌ای و ایادی آنها و ناتوانی قدرتهای امپریالیستی را بر جهانیان آشکار نموده است.

## دستگیری صدام سرور راست ●●●

دیکتاتور در جای خود باعث شادی مردم عراق بود. اگر این دستگیری در شرایطی صورت می‌گرفت که عراق توسط نیروهای امپریالیست اشغال نشده بود؛ اگر این دستگیری بجای اینکه با دخالت مستقیم نیروهای امریکا و نیروهایی که - به هر دلیلی که باشد - یوغ همکاری با امپریالیسم را به گردن انداخته‌اند و پای امریکا را برای دخالت مستقیم در خاورمیانه باز کرده‌اند، توسط مردم و نیروهایی صورت می‌گرفت که در عرصه عمل نشان داده بودند که نه با بورژوازی داخلی و نه با امپریالیسم جهانی سرسازش ندارند؛ اگر دستگیری صدام توسط ((خود مردم)) صورت گرفته بود و شکی نبود که صدام در یک دادگاه خلقی به خاطر جنایاتی که در حق مردم عراق روا داشته است محکوم خواهد شد، اگر همه این‌ها - و یا حداقل یکی از آنها واقعیت داشت - شکی نبود که نه چپ جهانی و نه چپ رادیکال ایران لحظه‌ای تردید بخود راه نمی‌داد که دستگیری دیکتاتور عراق را به مردم عراق تبریک بگویند.

اما در دستگیری صدام عوامل و فاکتورهایی وجود داشته و دارند که مسأله را بسیار پیچیده می‌کند و شاید از روی این پیچیدگی بود که بخشی از چپ در این رابطه سکوت کرد.

اول اینکه دستگیری صدام یکی از اهداف اعلام شده امریکا از اشغال نظامی عراق بود. این فاکتور باعث شد که نیروهای راست، مزدوران امریکا و نیروهایی که حیات خود را در قید حمایت نظامی امپریالیسم می‌بینند اولین نیروهایی باشند که دستگیری صدام را تبریک بگویند، البته نه به مردم ستمدیده عراق بلکه به امریکا و عوامل و ایادی آنها. پس از اعلام خبر دستگیری صدام - صبح روز دوشنبه - بورس امریکا و ارزش سهام شرکت‌های کلان و نیمه‌کلان امریکایی سه درصد بالا رفت. جشن گفتارها بر سر لاشه متعفن دیکتاتور سابق عراق و سیاستگزار امپریالیسم در منطقه خلیج.

دوم اینکه معلوم نیست صدام توسط چه کسی و به چه جرمی محاکمه خواهد شد. آیا این مردم عراق خواهند بود که صدام را همانطور که در بالا ذکر شد به خاطر جنایت علیه مردم این کشور - که مورد حمایت امپریالیستها هم بود - محاکمه خواهند کرد، یا اینکه این دستگاه

بقیه در صفحه بعد



## دستگیری صدام سرور راست...

بقیه از صفحه قبل

امریکا در صدد دست‌آموزی عوامل دیگری برای پیشبرد و حفظ منافع خود در منطقه است، دستگیری صدام به معنی پایان قطعی دیکتاتوری در عراق نخواهد بود.

پیام چپ رادیکال ایران در این شرایط به مردم عراق چه باید باشد؟ سازمان ما بر آن است که ضمن تریک به مردم عراق به خاطر پایان حیات سیاسی یک دیکتاتور، آزمون‌هایی را که مبارزه برای دموکراسی پیش رویشان قرار خواهد داد را بروشنی بیان کند. در شرایطی که سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت که - بخاطر سابقه همکاری با حزب بعث - ذهینیت مردم عراق را نسبت به اپوزیسیون ایران خدشه دار کرده و برخی احزاب میانه و منطقه‌ای نیز به خاطر همکاری و حفظ دیپلماسی با همکاران جدید امریکا در منطقه سکوت اختیار کرده‌اند، لازم است بخش رادیکال جنبش چپ و کمونیست ایران با پیام «مبارزه برای دموکراسی از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست» به تشویق مردم عراق در مبارزه در دو جبهه پردازد و ضمن تریک به مردم عراق به خاطر دستاوردهای این دوره آنان را به پیوند این دستاوردها با مبارزه درازمدت خود برای دموکراسی و مبارزه با دخالت امپریالیسم در سرنوشت مردم منطقه دعوت کند. به این وظیفه کم بها ندهیم.

نشریه ریگای که ل شماه ۲۴ ارگان کمیته ایالتی کردستان سازمان به زبان کردی منتشر شد، خلاصه برخی از مطالب آنرا که به فارسی ترجمه شده است در زیر میخوانید.

## ۱- پیروزی از آن توده هاست!

متن این مقاله به اختلاف و تعارضات داخلی جناحهای حاکم در جمهوری اسلامی و توافق و مماشات آنان بر سرکوب جنبش نارضایی توده‌ها میپردازد، اینکه با تشدید سرکوب و خفقان جنبش توده‌ها و در راس آنها طبقه کارگر همچنان برای تحقق اهدافش با برجاست و علیرغم فراز و نشیبهای بسیار در بطن جامعه در جریان است. اما این مبارزات در مکانهای کار و زندگی به سازماندهی نیازمند است و اینکه با یک برنامه مشخص و اصولی به جنبشی عظیم و بنیادی تبدیل خواهد شد.

در ادامه این مطلب با اشاره به اینکه لازمه حیات و بقا جمهوری اسلامی سرکوب و پایمال کردن ابتدائی‌ترین حقوق و آزادیهای سیاسی، فردی و جمعی است و همیشه همراه با گسترش بحرانهای داخلی سیاست سرکوب و بگیر و ببند را افزایش میدهد به وجود امواج رو به گسترش نارضایی و اعتراضات توده‌های تحت ستم و استعمار اشاره میکند و اینکه اراده خلق تحت ستم غالب خواهد شد و پیروزی از آن توده‌ها خواهد بود و ...

## ۲- گرامی باد یاد جهان پهلوان تختی

این مطلب یادبست از جهان پهلوان تختی و گرامیداشت سال مرگ وی.

۳- ترجمه کردی گفتگوی رفیق یدی با نشریه کار کمونیستی در مورد ((شعار جمهوری فدراتیو شورایی ایران و مسئله ستم ملی و ملیتها در ایران)) - بخش دوم.

۴- مسئله ارضی، جنبش دهقانان و سیاست ما - ترجمه کتاب تحقیقی رفیق منصور اسکندری - بخش دوم.

## ۵- چه هدفی و برای چه؟

این مطلب اشاره میکند به اهداف سازمان در مورد اتحادها و ائتلافهای طبقاتی و دمکراتیک با سایر جریانات جنبش چپ و دمکراتیک و برنامه سازمان در این مورد.

بقیه در صفحه بعد

## اسامی برخی از شهدای نیمه دوم آذرماه

پرویز نصیر مسلم  
ابوالقاسم نیکجه همدانیان  
بهروز بهروزنیا  
زهرا آقایی قلهکی  
علیرضا شهاب رضوی  
شاهرخ اقبال  
مینا رفیعی  
محمدعلی پارسا  
مسعود صارمی  
جلال دهقان  
رحیم تشکری  
حسن زکی زاده  
عبدالله یزدانی  
کامران علوی  
عبدالرضا غفوری  
سعید رهبری  
زهرا بیدشهری  
اسماعیل بیدشهری

یادشان گرامی و راه شان پر رهرو باد

## نشریه ریگای که ل شاه ۲۴ ارگان کمیته ایالتی کردستان

بقیه از صفحه قبل

## ۶- بر توان تر باد پیکار کارگران

متن این مقاله در مورد تقابل طبقه کارگر با جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آن است که همواره این طبقه کارگر است که بار سنگین سرکوب و فشار سرمایه داران و حکومت آنان را به دوش میکشد و این طبقه کارگر است که شایستگی رهبری و سازماندهی مبارزات دیگر طبقات و اقشار را می تواند داشته باشد و . . .

۷- صفحه ۶ ریگای که ل شماره ۲۴ یادواره شهیدان سازمان و ادبیات انقلابی

۸- واژه های سیاسی (بررسی تحلیلی دو واژه سیاسی جنگ و جنبش آزادیبخش ملی).

## پیرامون وضعیت مجاهدین!

عمواوغلو

در بحبوحه دستگیری صدام حسین و درست درشرایطی که همه رسانه های جمعی و افکار عمومی متوجه دستگیری صدام حسین و مابقی ماجراهاست، شورای حاکم برعراق با یک ضرب العجل بیست روزه (که بعد گویا چند روز دیگر تمدید شده است) خواستار خروج مجاهدین از عراق شده است. البته این اقدام شورای حکومتی عراق و یا اقدامات مشابه این از سوی نیروهای ائتلافی، حتی دستگیری معامله و مصالحه و تحویل دادن حد اقل بخشی از نیروهای مجاهدین به ایران نیز از قبل قابل پیش بینی بود. این پیش بینی ها هم احتیاج به قوه عجیب و غریب و درک خارق العاده ای از اوضاع پیش رو نداشت چرا که گذشته از سیاست های بغایت غلط و اشتباه آمیز مجاهدین از همان اوایل استقرار در عراق تا سقوط صدام، اما این پیش بینیها از آن هنگام شروع به جنبه واقعیت بخود گرفتن پیدا کرد که مجاهدین با بروز چشم انداز سقوط صدام این بار خود را به دم سیاست های امپریالیسم آمریکا بستند با این تحلیل (بخوان توجیه) غیر علمی ((که تضاد بین جمهوری اسلامی و آمریکا جای تضاد بین صدام حسین با جمهوری اسلامی نشسته و ما با حفظ (استقلال)) از این تضاد درجهت سرنگونی رژیم ملایان سود میریم)) نگاه کنید به مصاحبه های اعضای مجاهدین و مهدی سامع و... عملا درجایگاه های خود میخکوب شدند و چه با آب و تاب از این توجیحات بعنوان ((استراتژی نوین مجاهدین)) یاد کردند و تبلیغات براه انداختند به این امید که عنقریب در رکاب نیروهای آمریکایی بعنوان ((تنها آلترناتیو)) موجود وارد تهران خواهند شد. و برآستی هم گره گشائی رهبری این سازمان در برابر حوادث (علیرغم هشدار پیاپی سازمانهای سیای و از جمله سازمان ما) نشان داد که کوته فکری و کوته بینی خرده بورژوازی واقعا حد و مرزی ندارد. من در این نوشته کوتاه اساسا به غلط و ارتجاعی بودن خیلی از مواضع و سیاست های مجاهدین کاری ندارم. در اینجا بیشتر به جنب و زبونی و ریاکاری و باری به هرجهت بودن خورده

بورژوازی ایران که در امثال سازمان مجاهدین تجلی سیاسی تشکیلاتی یافته است، مد نظرم هست. چشم انداز وضعیت مجاهدین، (که از همان اول به امید ساخت و پاخت با آمریکا همه وقایع را وارونه جلوه داده و یا اساسا از هرگونه اطلاع رسانی به مردم و حتی هواداران خود خودداری کردند) این بوده و هست که امپریالیسم آمریکا و متحدین آن بسته به شرایط، مجاهدین را وجه المصلحه معاملات پشت پرده خود با جمهوری اسلامی سازند و یا با حذف و معامله روی بخشی از آنها (که حتی احتمال تحویل دادنشان به رژیم جمهوری اسلامی هم می رود) بخش باصلاح معتدل و ضعیف شده آنها به عنوان بخشی از اپوزیسیون غیر قابل حذف از معادلات سیاسی آینده ایران حفظ کنند. بخشی که در آینده (در صورتی که لازم باشد) بتوانند به همراه بخش دیگری از اپوزیسیون خارج کشور و اصلاح طلبان، ملی مذهبی ها و سایر گروه های داخل کشور اتحادی را در جهت و راستای تغییرات مورد نظر آمریکا در ایران به پیش ببرند البته روشن است که در این صورت و برای راضی کردن جریانات داخل و خارج کشور برای پذیرش و سازش با مجاهدین و نیز برای خلاصی از تصمیمات قبلی سنای آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر ((تروریست)) ارزیابی کردن مجاهدین، تغییرات سیاسی و تشکیلاتی در این سازمان را از قبل احتساب ناپذیر نموده است. موضع گیریهای گاه گذاری اخیر خانم رجوی و یا در پیش گرفتن سیاست سکوت در قبال تحولات سیاسی و بلاتکلیفی حاکم بر هواداران و تشکیلات خارج کشور این سازمان کم و بیش راستای تغییراتی را متناسب با سیاست های فوق الذکر نشان میدهد. اما دنباله روی از این سیاست نیز راهی برای خروج مجاهدین از وضعیت حاضر نیست. واقعیت این است که سیاست ها و عملکرد تاکنونی مجاهدین آنها را بیش از پیش درین مردم و حتی هواداران پر و پا قرص خود نیز منزوی کرده است. اکنون در پیش گرفتن همان سیاست ها به نحو دیگری (علیرغم هرگون تحول سیاسی تشکیلاتی درونی) بقایای مجاهدین را بیش از پیش از پیش ایزوله نموده و از کارایی خواهد انداخت بطوری که در معادلات سیاسی و ساخت و پاخت های بورژوازی اساسا از چنان وزنه ای برخوردار نخواهد شد که آنها را به بازی بگیرند. وانگهی هیچ معلوم نیست که روند اوضاع تغییراتی را درسیاست آمریکا مبنی بر سازش با همین ساختار موجود رژیم و بالاتر از آن جناح بقول معروف اقتدارگرا بوجود نیابد که در آن صورت مسلما کشتی بان را سیاستی دیگر لازم خواهد شد که سرمایه گذاری روی پیش بینی های موجود را خاک کرده و به باد خواهد داد. به هر حال اکنون که مجاهدین هرگونه ابتکار عملی را از دست داده اند، برغم اعلام ((پل بر مر)) حاکم آمریکایی عراق مبنی بر عدم تحویل مجاهدین به ایران، با توجه به کیفیت شورای حاکم برعراق و ساخت و سازها و معاملات پشت پرده آنها با سران رژیم ایران خطر تحویل حداقل بخشی از مجاهدین به

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## پیرامون وضعیت مجاهدین!

بقیه از صفحه قبل

بغایت ضد انسانی حکام عراق و دولت آمریکا را محکوم نموده و همه احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی و بشردوست و نیز کلیه ایرانیان مبارز را به هشیاری و اعتراض علیه چنین سیاست ضد انسانی فرا میخوانیم .

## پیام تبریک به مردم عراق به مناسبت دستگیری صدام حسین

صبح روز یکشنبه ۱۴ دسامبر خبرگزاری ایرنا از قول جلال طالبانی اعلام کرد که صدام دستگیر شده است. این خبر بلافاصله جهان را تکان داد و در صدر اخبار جهان قرار گرفت. پخش خبر در عراق موج شادی مردم را در شهرهای مختلف به خروش آورد. گزارش های رسیده از عراق حاکیست که نه تنها در مناطق کردنشین بلکه حتی در بغداد و سایر مناطق عرب نشین عراق نیز مردم به خیایانها ریخته و دستگیری صدام و حذف کامل وی از معادلات سیاسی عراق را جشن گرفتند. طبیعی است سازمان اتحاد فدائیان کمونیست نیز مانند سایر مبارزان دموکراسی و آزادی خلق ها و در همبستگی با خلق های ستمدیده عراق که سالها قربانی دیکتاتوری سیاه صدام بوده اند، خود را در این شادی شریک می داند و به مردم عراق تبریک می گوید.

طبیعی است که ما نیز مانند هر کمونیست دیگری که مبارزه با امپریالیست را از مبارزه برای دموکراسی جدا نمی داند، در این لحظه ضمن شادی در دستگیری صدام، نگران آینده مردم عراق و عواقب ادامه حضور نیروهای اشغالگر آمریکا در عراق هستیم.

بیگمان در این لحظه سؤالات زیادی در اذهان جهانیان شکل می گیرد. چرا نیروهای آمریکایی در پخش خبر دستگیری صدام تعلل به خرج دادند؟ آیا صدام بطور علنی و در یک دادگاه بین المللی بخاطر جنایاتی که نسبت به مردم عراق انجام داده، محاکمه خواهد شد؟ آیا حامیان سیاسی وی در این جنایتها، دولت آمریکا و دولتهای اروپایی نیز به پای میز محاکمه کشانده خواهند شد؟

طبیعی است که خواستهای برحق خلق های ستمدیده عراق مادامیکه خود این جنایتکاران در مقام قاضی و دادستان نقش بازی می کنند پاسخی نخواهند گرفت. اما دستگیری صدام ضربه اولی است برای ریختن دیوارهای توهم که راه را بر جنبش انقلابی مردم عراق برای دموکراسی، عدالت اجتماعی و رهایی از قیود امپریالیستی سد کرده بودند. این گام را به مردم عراق تبریک می گوئیم.

هیأت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

جلادان جمهوری اسلامی یک خطر واقعی است، وعلیرغم مخالفت و مرزبندی ما با سیاست ها و عملکرد مجاهدین، لازم است و وظیفه انسانی و انقلابی حکم میکند که درمقابل اخراج مجاهدین از عراق بعنوان یکی از نیروهای مخالف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلام به اعتراض برخیزیم، اخراج و تحویل حتی یک نفر از مجاهدین و یا اعضای دیگر اپوزیسیون رژیم اسلامی به ایران نه تنها نافی بیابیه حقوق بشر بلکه یک جنایت علیه بشریت محسوب میشود باید درمقابل این سیاست ایستاد و با آن مبارزه کرد.

## خطر استرداد بخشی از اعضای سازمان مجاهدین به ایران جدیدست!

اخیراً درست در جریان هیاهوی ناشی از دستگیری صدام حسین، سخنگویان «شورای حکومت انتقالی» عراق با تعیین ضرب العجلی بیست روزه خواستار خروج اعضای مجاهدین از عراق شدند. متعاقب اخبار ضد و نقیض درباره تمدید ده روزه این ضرب العجل، سران رژیم نیز که گوئی هیچ اطلاع و دخالتی در تصمیمات شورای حکام نداشته اند، شروع به اظهار نظر کرده و هر کدام به زبانی خواستار تحویل آنها به ایران شده اند. اکنون با وجود اینکه «پل برمر» حاکم آمریکائی عراق این موضوع را تکذیب نموده و اعلام کرده است که «مجاهدین به سه کشور ثالث اعزام خواهند شد» و برنامه تحویل آنها به ایران در دستور نیست. اما اوضاع سیاسی عراق و وابستگی گروه های عمده ای از حکام کنونی آن به ایران و نیز سایر قرائن و شواهد نشان میدهند که خطر استرداد حد اقل بخشی از مجاهدین به دولت سرکوبگر اسلامی یک خطر واقعی و جدی است. و در این زمینه نباید به حرف ها و قول و قرارهای مسئولین آمریکایی اعتماد نمود. دراین که مجاهدین خلق در این شرایط حساس چه تدابیری برای خروج از این مخمسه اتخاذ خواهند کرد، امریست مربوط به خودشان، معهذا وظیفه همه نیروهای سیاسی، سازمانها و مجامع بشردوست و هر انسان شرافتمندی است که علیرغم هرگونه مخالف با روش های سیاسی و عملی مجاهدین، بر علیه تضییق حقوق آنها بعنوان یکی از جریانهای مخالف رژیم سرکوبگر حاکم به اعتراض برخاسته و از هیچ اقدامی بمنظور افشا و محکوم کردن این عمل ضد بشری خودداری نکنند. ایجاد محدودیت و اخراج مجاهدین و اعزام آنها به کشورهایی که خود مایل به اقامت در آن نیستند، مغایر مفاد بیابیه حقوق بشر و کنوانسیون های ژنو است و استرداد حتی یک نفر از آنها به رژیم جمهوری اسلامی جنایتی نابخشودنی محسوب میگردد. ما این سیاست

## مصاحبه با رفقا مصطفی حبیبی وند و مجید پیرامون زندان!

اخیراً تلویزیون رسانه در شهر دورتموند آلمان مصاحبه ای انجام داده است با این رفقا بعنوان فعال ضد زندان، در همین رابطه نشریه جهان با یکی از این رفقا گفتگویی داشته که در زیرملاحظه میکنید.

جهان کمونیستی: لطفاً برای ما بگوئید که موضوع بحث شما و ضرورت طرح آن به چه خاطر بوده است؟

مجید: موضوع بحث ما راجع به لزوم حذف زندان در جامعه می باشد و مدتی است که با چند رفیق دیگر که عمدتاً از رفقای زندانی سیاسی سابق هستند، حول آن بحث و گفتگو می کنیم و از طرح این موضوع حدود ۲ سال می گذرد، ولی به دلیل درگیر بودن در دیگر فعالیتهای سیاسی، نتوانستیم وقت بیشتری را صرف آن کنیم، و از طرفی، این جمع بایستی می توانست بعد از طرح آن در سطح عمومی از آن دفاع کند، و بتواند به سوالات دیگران، مخصوصاً مخالفین، جواب دهد.

ضرورت طرح آن امروزه به آنجا برمی گردد که می بایستی بالاخره این طرح را عمومی میکردیم، چرا که ما تلاش می کنیم حول آن یک جنبش سیاسی، اجتماعی ایجاد کنیم، تا مانعی شود در مقابل حاکمیت‌های مثل جمهوری اسلامی که تلاش میکنند با استفاده از زندان، جامعه را به تسلط خود در آورند و زندان را به طور وسیع بر علیه مردم استفاده می کنند.

ما به مردم یاد آوری می کنیم، فراموش نکنند که زندان ابزار سرکوب حاکمیت‌های سرکوبگر بوده و هست. از این مشروعیت و رضایتی که امروزه مردم به وجود زندان در جامعه می دهند، حاکمیت‌های ضد مردمی به منظور سرکوب و به انقیاد در آوردن همان مردم استفاده می کنند.

طبق آمار ج. ۱. سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر، از ۳ روز تا چند سال گذرشان به زندانها می افتد که آمار زندانیان ثابت و علنی تا الان ۱۷۷ هزار نفر می باشد که در ۷۱ زندان رسمی بسر می برند و تعداد نامعلومی زندان غیر رسمی و غیر علنی و مخفی وجود دارد، که از تعداد زندانیان آن آماری در دست نیست. آمار پرونده های دادگستری سالانه ۶ تا ۷ میلیون می باشد. آمار زندانیان نسبت به قبل از انقلاب ۳۲ برابر شده است. مجازات تنها ۴۰۰ نوع جرم زندان است.

با توجه به آمار، متوجه می شویم که مسئله حذف زندان در جامعه می تواند حمایت میلیونی مردم

را موجب شود، چرا که میلیونها نفر زندان را از نزدیک دیده و لمس کرده اند. به همین دلیل در اینترنت ۲۲۷۰۰ مطلب، مقاله،

سایت، کتاب، خاطرات، خبر و ... در باره زندان وجود دارد، و موضوع زندان و کارکرد واقعی آن، برای بخش زیادی از مردم، کاملاً آشنا و با اهمیت تلقی می شود، پس به احتمال زیاد حول آن می توانیم یک جنبش سیاسی، اجتماعی ایجاد کنیم.

جهان کمونیستی: در صورتی که این جنبش شکل بگیرد، اهمیت آن نسبت به سایر جنبشهای موجود، در چه خواهد بود؟

مجید: برای رسیدن به خواستههای اساسی در جامعه، یک طرف آن حاکمیتها و در طرفی دیگر توده های مردم قرار دارند، چرا که قوانین و قدرت و ثروت در دست طبقه حاکم و قدرت سیاسی آن است. مردم ما خواستشان آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری است. خواستشان بودن حاکمیتی است که با رای و نظر اکثریت آنها قابل تغییر باشد، به حقوق دموکراتیک و انسانی آنها گردن بگذارد، دست به سرکوب و کشتار مردم نزنند، و مردم در

فقر و گرسنگی بسر نبرند. برآستی مردم برای رسیدن به حقوق انسانی خود، چه تشکله و سدهائی در مقابل حاکمیتها برای پایمال نشدن حقوقشان ایجاد کرده اند؟ اهرم فشار مردم بر حاکمیتها کجاست؟ مردم برای طرح هرگونه خواستههای دموکراتیک و انسانی خود، نیاز دارند که اطمینان داشته باشند که حاکمیتها قادر به سرکوب آنان نیستند. به همین خاطر، یک جنبش ضد زندان می تواند با تلاش برای از بین بردن زندان در قوانین و جامعه، یکی ابزار سرکوب حاکمیت‌های سرکوبگر را از دستشان خارج کند. این جنبش دموکراتیک ضد زندان، چنانچه در صحنه و عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی حضور پیدا کند، می تواند حمایت جهانی را نیز جلب کند، و در پی آن دیگر تشکله و جنبشهای دموکراتیک می توانند شکل بگیرند و یا علنی شوند و در عرصه مبارزات حضور پیدا کنند و مبارزات به سود مردم پیش برود.

جهان کمونیستی: از زندان چه تعریفی می توان ارائه داد؟ مجید: در تعریف غیر واقعی و تحریف شده زندان طبق قوانین و مقررات جزائی ج. ۱. اینگونه آمده است:

«زندان محلی است که در آن متهمان و محکومان با قرار یا حکم کتبی مقام قضائی موقتاً برای مدتی معین و یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسائی ها و بیماریهای



## مصاحبه با رفقا مصطفی حبیبی وند و مجید پیرامون زندان!

بقیه از صفحه قبل

اجتماعی و تحمل کیفر، نگهداری می شوند.)

زندان، در واقعیت امر زندان را می توان اینگونه تعریف کرد: مکانی غیرانسانی، محصور، عمدتاً مثل قفس، که در آن فرد برای مدتی معلوم یا نامعلوم، موقتی یا دائم، به منظور تنبیه، مجازات و گرفتن توان و قدرت فرد و سلب آزادهای فردی و اجتماعی او به خاطر رعایت نکردن قوانین رژیم حاکم یا تعرض به حقوق دیگران و... محبوس می شود به طوری که دیگر زندانی مالک جان، سلامتی و اراده خودش نخواهد بود.

جهان کمونیستی: اگر بخواهیم زندان سیاسی را تعریف کنیم، آیا همین تعریف زندان کفایت می کند؟

مجید: برای تعریف بهتر آن، می توان توضیحاتی را اضافه کرد. هدف زندانی کردن افراد سیاسی آن است که اساساً در هم بکوبند جسم و روان فرد را با شکنجه و فشار، بطوری که فرد یا گوشه انزوا گزیند، یا خودکشی کند و تسلیم شود، یا آنچنان دچار بیماری روحی و یا جسمی اش کنند که پس از آزادی مشغول درمان خودش باشد و یا تلاش می کنند با ایجاد کردن بدبینی و سوءظن و رشد بی اعتمادی در آنها، و ایجاد احساس سوءاستفاده شدن از آنها در مبارزات، و یا ایجاد حس بیهوده بودن و بی ثمر بودن مبارزات، او را از زندان آزاد میکنند به شکلی که تصور کنند که دیگر این فرد نمی تواند مثل گذشته کارائی مبارزاتی داشته باشد و انگیزه های مبارزاتی خود را تا حد زیادی از دست داده است و بعد از آن پی زندگی خود خواهد رفت.

جهان کمونیستی: به نظر شما می توان زندان را از جامعه حذف کرد؟ به نظر ما شدنی است ولی حاکمیتها می که هدفشان سرکوب مردم و خواسته های انسانی آنها است،

به این ابزار سرکوب احتیاج داشته و از آن استفاده می کنند و قوانین آنها برای متخلفین از قانونشان، مجازات زندان تعیین خواهد کرد، آنهم با کارکردی بسیار وسیع، که نمونه آن ج.ا. است، و به همین خاطر تعریف جرم در قوانین رژیم آنقدر باز و وسیع است که بتوانند هر چیزی را جرم محسوب کنند تا بتوانند جامعه را کاملاً تحت کنترل داشته باشند و از زندان به منظور سرکوب مردم در سطحی وسیع و فراگیر استفاده می کنند و چند صد مورد جرم در قوانین ج.ا. هست، که تنها برای ۴۰۰ مورد جرم، مجازات زندان وجود دارد. در تعریف جرم در قوانین ارتجاعی و ضد مردمی و ضد انسانی ج.ا. آمده است: هر فعل یا ترک فعلی که توسط قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم محسوب میشود.

در واقع با چنین تعریفی از جرم، دست خودشان را باز میگذارند برای سرکوب بیشتر مردم. اگر بتوانیم از همین امروز، حول خواست نابودی و حذف زندانها در جامعه یک جنبش عظیم سیاسی، اجتماعی ایجاد کنیم، آن موقع این جنبش حداقل می تواند، مانع و کندکننده ابزار سرکوب حاکمیتها باشد و یا مثلاً بعد از سرنگونی ج.ا. و احیاناً پیاده شدن سیاستهای اصولی و پایه ای این جنبش دمکراتیک در قوانین کشور، با تغییرات اساسی و ریشه ای در ساخت قدرت سیاسی، تغییر قوانین و وضع قوانین توسط مردم و نه حاکمیتها، محدود کردن تعریف جرم، فقرزدائی از جامعه از لحاظ فکری، اقتصادی، جنسی (نگاه کنید به صفحه حوادث تا نقش این سه مورد فقر را در بدبختی ها و جنایات ببینید)، استفاده از آموزش و بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگی جامعه و اطلاع رسانی از طریق وسایل ارتباط جمعی، استفاده از دارو درمانی و گفتاردرمانی و خدمات پزشکی رایگان در رابطه با بزهکاری، آزاد بودن در حق انتخاب برای زندگی یا عدم زندگی مشترک و عدم سختگیری قوانین در این زمینه (نگاه کنید به صفحه حوادث تا به عمق فاجعه سختگیری قوانین در این زمینه نیز پی ببرید)، ایجاد انواع انجمنهای دمکراتیک و کانونهای حمایتی و مددکاری مردمی در مقابله با مشکلات و معضلات اجتماعی، مبارزه همگانی با فرهنگها و سنن عقب افتاده و خشونت های اجتماعی، تعمیق آزادی بی قید و شرط سیاسی و اجتماعی، وجود آزادی گفتار و رفتار فردی و جمعی، افزایش امکان تفریح و شادی مردم، افزایش مسافرت به خارج از کشور و افزایش مسافر و توریست به ایران به منظور تبادل فرهنگی، حمایت دولتی و مردمی از کسانی که خود را در جامعه و یا خانواده بی پناه حس می کنند (نگاه کنید به صفحه حوادث)، آموزش کار، شغل، حرفه و انواع تخصصها و غیره می توان مشکلات، معضلات و خشونت های اجتماعی مجازات را از قوانین سلب کرد، را کاهش داد و اختیارات نامحدود شکنجه و زندان را به گور تاریخ بسپاریم. ما با برخورد با علتهای و برای همیشه قوانینی مثل اعدام و نه معلولها و ریشه یابی مشکلات و معضلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می توانیم جامعه ای انسانی را بنانیم. جهان کمونیستی: چرا در هیچ کجای دنیا تا کنون زندان حذف نشده است؟

سؤال خوبی است، و در پاسخ می توان گفت حتی در اروپا و به عنوان نمونه در آلمان اعدام وجود ندارد و زندانیان کمتری نسبت به ایران یا آمریکا دارد ولی همچنان دارای زندان حتی

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## مصاحبه با رفقا مصطفی حبیبی وند و مجید پیرامون زندان!

بقیه از صفحه قبل

تمامی روش‌هایی را که درسایرساز و کارهای انطباقی یافت می‌شوند به حداکثر شدتشان می‌رساند و آزادی فرد و وقت او را در اختیار دارد و آنچه فشار و کنترلی را بر زندانی وارد می‌کند که نه فقط در یک روز بلکه در توالی روزها و حتی سال‌ها می‌تواند زمان خواب و بیداری، زمان فعالیت و استراحت، نوبتها و مدت غذا خوردن‌ها، کیفیت و جیره غذاها، استفاده از گفتار، حتی تقریباً استفاده از اندیشه را برای انسان تنظیم و تحمیل می‌کند. در یک کلام کنترلی که تمامی انسان و تمامی توانائی‌های جسمی و روحی موجودش را و زمانی که از آن اوست به تصاحب در می‌آورد.

زندان محلی است که دیگر فرد مالک آزادی خویش نیست و هر تجا و زنی به حقوق او می‌تواند صورت بگیرد. زندانی اسیری است که دیگران مالک جان و سلامتی او هستند. زندان از مجموعه افرادی که گرد می‌آورد جامعه‌ای نو می‌سازد و گاه تأثیرات آن،

چنان بر زندانی زیاد است که پس از آزادی بعضی ترجیح می‌دهند که بقیه عمر را در زندان بسر ببرند. محروم کردن یک شهروند و خانواده‌اش از هر آنچه که برایشان گرامی است و بودن یکی از اعضای خانواده در زندان و ایجاد مشکلات در امرار معاش و مسائل عاطفی و غیره، فقط تنبیه برای یک نفر نیست، بلکه اجحافی است که به او و مخصوصاً در حق خانواده‌اش روا داشته می‌شود. و مخصوصاً در ایران به دلیل فقر زیاد و نبود حمایت‌های اجتماعی از خانواده زندانیان و غیره، مشکلات زیاد و گاه فاجعه‌باری را برای خانواده زندانیان ایجاد می‌کند و کسی در این رابطه پاسخگو نیست. زندان فرار از حل معضلات اجتماعی و قرنطینه کردن کسانی است که به آن دچار شده‌اند، درست مثل کسی که به ایدز دچار شده است و به جای درمان، او را زندانی کنند، حتی کسی که قتل می‌کند در حالت عادی بسر نمی‌برد، اینکه چه عاملی او را به اینجا کشانده، بحث اصلی است، چرا که آن فرد دچار یکسری مشکلات و معضلات اجتماعی شده است. زندان برای جامعه پر هزینه است و باز تولیدکننده بزهکاری و مرکز آموزش غیر حرفه‌ای‌ها است. یکی از بزرگترین اشکالات مجازات زندان، غیر قابل برگشت بودن آن است و در صورت اشتباه بودن رای و نظر دادگاه، عمر گذشته دیگر برنمی‌گردد و غیر قابل جبران است. تا آنجا که

بقیه در صفحه بعد

سرکوب طبقاتی استفاده می‌کنند، به علاوه استفاده از ابزار مدرن کنترل، مراقبت و تجهیزات پیشرفته پلیسی همیشه در دستور کارشان بوده است. تازه امروزه در ثبات سیاسی بسر می‌برند و از اعتماد بیش از حد شهروندان برخوردارند. ودستگاه‌های تبلیغاتی آنها جهت دهنده افکار مردم هستند. و علاوه بر آن یک جنبش عظیم سیاسی، اجتماعی ضد زندان وجود ندارد که بخواهد در جهت حذف زندان فعالیت کند. و ضمناً قوانین توسط احزابی که در قدرت سیاسی هستند تدوین می‌شود و در نتیجه مردم در خدمت قوانین خواهند بود ولی اگر قوانین توسط مردم تدوین می‌شد آن موقع قانون در خدمت مردم بود، و در این جوامع اولویت بر سرمایه است و نه بر انسان.

جهان کمونیستی: کارکرد و عملکرد زندان و نتایج و تأثیراتش بر روی فرد چگونه است و چه ایرادات و اشکالات دیگری بر زندان وجود دارد؟

مجید: زندان قدرتی تمام و کمال را بر زندانیان وارد میکند و ساز و کارهای درونی خود را در سرکوب و مجازات میکند.



نشریه دان اولنوزو شماره ۲ ارگان کمیته آذربایجان سازمان اتحاد فداییان کمونیست به زبان ترکی آذری منتشر شد.

اعضای تحریریه جهان کمونیستی ایجاد کمیته ولایتی کرج را به رفقای انقلابی دست اندر کار این کمیته و همه رفقای سازمان تبریک می‌گویند! ما امید داریم که با بازسازی و شکل‌گیری ارگانهای سازمان در همه مناطق کشور، در آینده شاهد گسترش مبارزه انقلابی و حضور منسجم جنبش سوسیالیستی در میان طبقه کارگر و توده‌ای زحمتکش مردم باشیم

## مصاحبه با رفقا مصطفی حبیبی وند و مجید پیرامون زندان!

بقیه از صفحه قبل

استفاده کردم که به همین خاطر از آنها سپاس گذارم و امیدوارم که در گفتگوهای بعدی در این زمینه شرکت کنند.  
با تشکر از شما \_مجید

با تشکر از رفیق مجید که وقت خود را در اختیار نشریه جهان قرار داد  
**تحریریه جهان**

**چند خبر****درتظاهرات اعتراضی مردم سراوان، بیش از ۱۵ نفر کشته شدند!**

اطلاعات رسیده حاکی از آن است که امروز پنجشنبه چهاردهم آذرماه طی درگیری که بین مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم در شهر سراوان سیستان و بلوچستان بوقوع پیوسته است، بیش از ۱۵ نفر از مردم و ۳ نفر از نیروهای سرکوب کشته و ده ها نفر زخمی شده اند. درگیری بین مردم و نیروهای مسلح رژیم زمانی آغاز شد که نیروهای انتظامی به روی یک جوان موتورسوار آتش گشوده و در نتیجه دو نفر عابرنیز کشته میشوند. مردم در اعتراض به این عمل دست به تجمع زده و با دخالت نیروهای سپاه، این تجمع اعتراضی به درگیری و سپس به یک شورش بزرگ تبدیل میشود. بعد از چند ساعت هزاران نفر از روستاهای اطراف نیز به مردم شهر میپیوندند. مردم خشمگین در اعتراض به این عمل وحشیانه به سوی ادارات فرمانداری، شهرداری و مراکز سرکوب رژیم حمله کرده و خسارات زیادی به آنها وارد میسازند. رژیم با وارد کردن سپاه پاسداران، بسیج و ارتش تاکنون عده زیادی از مردم و جوانان را دستگیر و با اعمال حکومت نظامی اعلان نشده کنترل شهر را در دست گرفته است. ولی هنوز مردم با تجمع در نقاط مختلف شهر خواهان روشن شدن وضعیت زخمی ها، آزادی دستگیرشدگان و افشای آمرین و عاملین این جنایت هستند. مردم زحمتکش و تحت ستم سیستان و بلوچستان که یکی از در فقرنگه داشته شده ترین مناطق ایران محسوب میشود تا کنون بارها و بارها مورد یورش و قتل و کشتار عوامل رژیم قرار گرفته اند. در شرایطی که فقر و بیکاری، بی مسکنی، اعتیاد در این منطقه بیداد میکند. سران رژیم کوچکترین توجهی به خواست های مردم نکرده و در عوض این منطقه را به محل نقل و انتقال مواد مخدر و کالاهای قاچاق توسط

بقیه در صفحه بعد

امکان دارد مجازاتها باید به گونه ای باشند که قابل برگشت باشند در صورتی که زندان چنین خصوصیتی ندارد.  
جهان کمونیستی: در رابطه با جرم و مفهوم آن، چه مواردی باید مورد توجه قرار گیرد؟ و چرا در کشورهای مختلف مواردی که جرم شناخته می شود یکسان نیست؟

در همه جا این قانون است که جرم را تعریف می کند و مجرم را مشخص و مجازات را تعیین می کند. از آنجا که قوانین در خدمت حاکمیتها است و دارای منافع و شرایط یکسان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیستند، در نتیجه تعاریف جرم در کشورهای مختلف متفاوت است. تعریف جرم باید مشخص و محدود باشد و این تعریف باید توسط مردم صورت بگیرد و نه حاکمیتها و حداکثر مجازات باید مشخص باشد و قابل برگشت در صورت اشتباه بودن. بر مبنای چه سنجشهایی می توان مجرم را عادلانه تنبیه کرد و چه کسی برآستی از میان مردمان چنین صلاحیتی را دارد؟ به جرم حکومتگران چه کسی می تواند رسیدگی کند؟ راه کاهش جرم در جامعه از بین بردن مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

جهان کمونیستی: رابطه زندان با قانون، رابطه ای است تنگاتنگ و به همین خاطر کمی نیز به بحث قانون بپردازید؟

همه جا قوانین به نفع طبقه حاکم یا نمایندگان آن که بعداً بخشی از حاکمیتها و یا دولتها می شوند تدوین می گردد. قوانینی که قرار است در مورد خود ما مردم اجرا شود هیچ نقشی در تدوین آن قوانین نداریم. قوانین باید توسط مردم نوشته شود و نه حاکمیتها، ما به قوانینی باید احترام بگذاریم که در مورد ما اجرا می شود ولی خود در تدوین آن هیچ نقشی نداریم و طبیعتاً این قوانین در خدمت مردم نخواهد بود، بلکه مردم در خدمت قوانین حاکمیت خواهند بود. و قوانینی برای حکومتگران وجود ندارد و قانون در مورد آنها اعمال نمی شود. به عنوان مثال چاقو کشی جرم است، اما فقط برای مردم، چرا که در وقایع و مبارزات خرداد و تیر دیدیم که چاقو کشان خامنه ای با چاقو و دشنه به مردم حمله کردند و بسیاری را زخمی و مجروح نمودند و جنایات بیشماری را صورت دادند، ولی در مورد آنها قانون مجازات چاقو کشی نه تنها اعمال نشد بلکه مورد تشویق رهبر جنایتکار و ارتجاعی ج. ا. قرار گرفتند. ضمناً در پایان یادآوری می کنم که بسیاری از نظرات و گفته های من در اینجا حاصل کار و گفتگوهای جمعی با هفت رفیق دیگر بوده است که تا آنجا که به خاطر داشتم از نظرات آنها



## ادامه چند خبر

بقیه از صفحه قبل

ایرج ندیمی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز با اشاره به سیاست واگذاری سهام دولت به بعضی موسسات می گوید: اگر دولت به موسساتی مانند سازمان بازنشستگی آستان قدس رضوی یا سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و در ازای بدهکاریها شرکتی را به آنها واگذار کند، خصوصی سازی نیست.

این در حالی است که متولیان خصوصی سازی می گویند با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از سهام شرکتهائی مثل سیمان آب یک در بورس عرضه شده و در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی است اقدام یاد شده تناقضی با خصوصی سازی ندارد.

از سوی دیگر مسئولان اقتصادی جمهوری اسلامی به خصوصی سازی از طریق فروش سهام کارخانجات دولتی بیشتر از جنبه کسب درآمد برای دولت می نگرند. مهدی کرباسچیان، معاون وزارت امور اقتصادی و دارائی می گوید: با انجام مزایده بزرگ خصوصی سازی سیمان خوزستان رقم درآمد دولت از واگذاری سهام شرکتهای به بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

بسیاری از کارشناسان می گویند تا به حال و با وجود پیشرفت هائی که در این زمینه شده است سیاست های خصوصی سازی دولت جمهوری اسلامی که بحث بر سر آن از زمان آغاز ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی شروع شد، موفق نشده اند زمینه های اجرائی لازم را بطور شفاف و روشن فراهم و به اهداف اقتصادی خصوصی سازی دست یابند.

**انتظامات دانشگاه صنعتی تبریز ورود خبرنگاران را به دانشگاه ممنوع نموده است.**

ایادی خود تبدیل نموده اند. مردم زحمتکش سیستان و بلوچستان که سالهای متمادیست برای آزادی برابری و برخورداری از حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه میکنند، بدلیل فقدان تشکل و تحزب نتوانسته اند به حقوق حقه خود دست یابند، مبارزات برحق کارگران وزحمتکشان بلوچ اغلب بوسیله رهبران مذهبی و سران طوایف و به سازش وانحراف کشیده شده است.

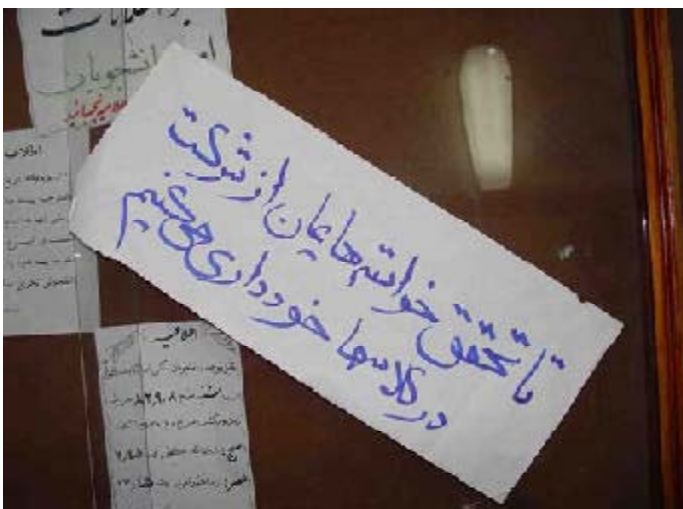
## اعتصاب غذای سه روزه مبارزات کارگران پتروشیمی

کارکنان پتروشیمی اراک که در اعتراض به سیاست خصوصی سازی صنایع پتروشیمی، انجام شد. همانطور که از پیش معلوم بود این کارگران از مذاکراتشان با مسئولین حکومتی و هیئت مدیره این صنایع نتیجه ای نگرفته و با بی اعتنائی مقامات رژیم اسلامی مواجه شدند. نمایندگان کارگران قبلاً با رفتن به مجلس اسلامی، همراه با دیگر نمایندگان کارکنان پتروشیمی در آبادان و خارک و اصفهان، خواستها و مطالبات برحق خود را اعلام کرده بودند. آنان خواهان آن هستند که دولت اسلامی رسماً طرح خصوصی سازی صنایع پتروشیمی و واگذاری آن به بخش خصوصی را لغو کند و از فروش کارگران و کارکنان به بخش خصوصی خودداری کند. اخیراً نیز کارگران پتروشیمی آبادان باردیگر دست به یک تجمع اعتراضی زده و خواهان رسیدگی به خواست هایشان شدند. ما بارها گفته ایم و اکنون نیز میگوئیم که کارگران صنایع پتروشیمی تنها با اتحاد و ایجاد تشکل و دست زدن به یک اعتصاب همزمان و سایر اشکال مبارزه است که قادرند مطالبات خود را بازستانند، نه با اقدامات انفرادی و ناهمگون!

## خصوصی سازیها ادامه دارد!

خبرگزاریها گزارش میدهند که پس از انجام بزرگترین مزایده خصوصی سازی ایران که چندی پیش صورت گرفت، بار دیگر گفتگو بر سر سیاست خصوصی سازی و اهداف خصوصی سازی واحدهای تولیدی و اقتصادی موسسات دولتی بالا گرفته است.

چندی پیش ۲۰۶ میلیارد تومان از سهام شرکت سیمان خوزستان به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد. پیش از این نیز ۳۵٪ شرکت آذراب و سهام سیمان خاش به یک کنسرسیوم شبه دولتی فروخته شد. بسیاری از کارشناسان اقتصاد ایران می گویند به دلیل اینکه بخش قابل توجهی از سیمان آب یک، سیمان فارس و سیمان فیروزکوه به نهادهای عمومی تعلق دارد، فروش سهام سیمان خوزستان را نمی توان خصوصی سازی نامید. زیرا فروش سهام سیمان خوزستان به شکل کنونی به معنای آن است که دولت و نهادهای عمومی از یک جیب پولی را برداشته و به جیب دیگر سرازیر کرده اند.





## نامه سرگشاده کارکنان شرکت ملی نفت ایران به وزیر نفت در مورد

### واگذاری بخشی از کارکنان شرکت ملی نفت به بخش خصوصی

جناب آقای میرمعزی

مدیر عامل محترم شرکت ملی نفت ایران

مدت چهار سال است که تعدادی از کارکنان زحمتکش مدیریت اکتشاف بدون خواست شخصی و بدون مشورت قبلی با آنان، بعنوان کارکنان شرکتی تازه تأسیس و زیر مجموعه نفت، از مدیریت اکتشاف جدا گشته اند. علیرغم خواست مکرر این کارکنان از مجموعه شرکت خدمات اکتشاف در مورد مشخص نمودن وضعیت شغلی آنان متأسفانه پاسخ صریح و روشنی تاکنون داده نشده است و هر بار با پاسخ های غیر روشن و صریح به نحوی از اصل موضوع طفره رفته اند. گاه صحبت از این که این کارکنان کماکان زیر مجموعه شرکت ملی نفت ایران می باشد و گاه آنان را منتقل شده به بخش خصوصی و منفک از شرکت ملی نفت ایران اعلام می نمایند و گاه مأمور از طرف شرکت ملی نفت ایران در شرکت خدمات اکتشاف نفت.

اخیراً زمره هایی است از عقد قرارداد بین شرکت خدمات اکتشاف با صندوق بازنشستگی نفت مبنی بر اینکه صندوق های بازنشستگی تعهد می نماید کلیه مقررات و قوانین شرکت ملی نفت ایران را در مورد این کارکنان تا پایان سنوات خدمتشان برای آنها اعمال نمایند. بایستی پرسید که شرکت خدمات چگونه و به چه حق قانونی نسبت به کارکنان شرکت ملی نفت ایران می تواند تصمیم گیری نماید و قرارداد منعقد نماید. سؤال این است که عقد چنین قراردادی با چه مجوزی می باشد و آیا این کارکنان، کارکنان شرکت خدمات اکتشاف هستند که هر تصمیمی خواستند برای آنها اتخاذ نمایند؟

اکنون زمان روشن شدن موضوع رسیده و این بار موضوع از طرف کارکنان روشن می گردد و آن این است که این کارکنان، قراردادی با شرکت ملی نفت ایران داشته و تحت هیچ شرایطی مایل نیستند از شرکت ملی نفت ایران منفک و به بخش خصوصی منتقل گردند. این کارکنان تمام شرایط موجود شرکت ملی نفت ایران (چه خوب و چه بد) را تحت پوشش شرکت ملی نفت ایران خواهانند و نه شرکتی دیگر. اگر چه شرایطی بهتر نیز در شرکت های خصوصی حاکم باشد. این کارکنان در صورت خواست مسئولین محترم شرکت ملی نفت ایران و عدم مغایرت با قوانین، آماده اند بصورت مأمور ولی بعنوان کارکنان شرکت ملی نفت ایران در شرکت های تابعه و یا خصوصی انجام وظیفه نمایند و هرگز انتقال از شرکت ملی نفت ایران به شرکت های تابعه و خصوصی را نمی پذیرند. واگذاری شرکتهای تابعه به بخش خصوصی و خصوصی سازی هیچ ارتباطی به واگذاری کارکنان زحمتکش شرکت ملی نفت ایران ندارد، و جاهت قانونی نداشته و مورد قبول نیست.

وعده و وعیدها و پیشنهاد حقوق های بالا و یا پاداش های آنچنانی در جهت پیشبرد مقاصد غیر قانونی هیچ گونه رنگی ندارد و این کارکنان تمایلی به همکاری با شرکت خدمات اکتشاف نفت را در صورتی که از شرکت ملی ایران جدا گردند، ندارند و حق شکایت و پیگیری اقدامات خلاف قانون را برای خود محفوظ می دارند.

والسلام

رونوشت

کارکنان شرکت ملی نفت ایران  
وزیر محترم نفت جهت استحضار مأمور در شرکت خدمات نفت  
کپی اصل نامه در سایت الکترونیکی "بنیاد کار" موجود است.

### آذر آی نین ۲۱ جی گونی آذربایجاندا

آذر آی نین ۲۱ جی گونی آذربایجان خلقینین تاریخینده بیر انودمازلی گوندی. ۱۳۲۴ آذرآیین یرمی یرینده، آذربایجان خالقی ظلم وستم قاریشیندا ایا قا قالیخ واوز حق وحقوقین اله آلماق ایچون یر مسلحانه قیاما ال ووردی. ۲۱ آذر قیامی واونون یر ایل دوام ایتمه سی گوسدردی که دئموکراسی یه یتیشماغ و آزادلیقی اله آلماق، اوز سرنوشتینه حاکم اولماق ایستین خالق گرکدیرکی اوزقوه سینی و اوز انسانی آرمانلارینا باغلی اولوب و بو یولدا آزادلیق و برابرلیک دشمن لرینه کامل غلبه تاپ ینجا یره انورمورا.

آذر آی نین ۲۱ جی گونی ۱۳۲۴ ایلینده آذربایجاندا آذربایجان خالقی قدرتی الی نه آلوب و اوز تشکیلاتلارینی یارادیر. دئموکرات فرقه سی رهبریتی اله آلوب و بو ایشی قاباغا آپارمالیدیر. ایشچیلر، سندیکا و اتحادیه لر یارادیلار. قادینلار انتخاباتا گیردیلر. آذربایجان دموکرات فرقه سی یر ایل قدرته قالدی و بو یر ایلده بویوک ایشلر آذربایجاندا گوردی. آزاد گارتالار منتشر اولدی و یرلر اکیچیلره بولوندی و فتودال لاردان اختیار آلودی و ژاندارملار کندلردن یقشیلدی. ۸ ساعات ایش گونده و یر گون تعطیل لیق هفته ده قانون اولدی. آنادئلینده آذربایجاندا مکتب لر یولاسالیندی و آذری دئلینده کتابلار چاپا گئدی. آذربایجان دانشگاهی تبریزده یولاتوشدی. خیابانلار آسفالت اولدی ائولره لوله سووی چکیلدی. خالقین اختیاری اوز الی نه یتیشمک زامان بو ایشلر گوروندی. اما بو ایشلر آیری خلقلری یوخودان اوینادیردیغینا گوره امپریالیسم وانون مرکه زده اوتوران مرتجع قوه لرین جانینا وحشت سالدی. و بویوک فتودالار و خان لار و امام جمالار و اوباشلار و قوه لرین باش آمرلری، شاه رژیمین یرلشیب، آمریکا و انگلس امپریالیسمینین یاردیمینان آذربایجانا یورش گئتیردیلر. مین لر آدام قانی توکولدی و اولر غارت اولدی و اوشاخلار و

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

## آذر آبی نین ۲۱ جی گونی آذربایجاندا

بقیه از صفحه قبل

## نامه سرگشاده جمعی از زنان ایرانی تبعیدی در برلین به

عبدالکریم لاهیجی

نامه سرگشاده به آقای عبدالکریم لاهیجی!

اخیرا از سوی جمعی از زنان تبعیدی در برلین شب بزرگداشتی برای خانم زهرا کاظمی برگزار شد. آقای عبدالکریم لاهیجی که از دعوت شدگان به سخنرانی بودند که ایشان بخاطر شرکت یکی از معترضین کنفرانس برلین در آن شب یادبود، از آمدن به برلین جهت سخنرانی خودداری نمودند. در ارتباط با این تصمیم غیرمسئولانه آقای لاهیجی، از طرف برگزارکنندگان این شب یادبود نامه سرگشاده ای بدست مارسیده که به چاب آن اقدام مینمائیم و در آینده نزدیک به طور مشروح به اهداف کنفرانس برلین و چگونگی سوء استفاده طراحان کنفرانس از بخشی از سخنرانان کنفرانس برلین خواهیم پرداخت.

نامه سرگشاده به آقای عبدالکریم لاهیجی!

۱- ما برآستی در نظام جمهوری اسلامی ایران می توان (( میانجی )) میان (( شهروند و حکومت )) شد؟

ما جمعی از زنان ایرانی تبعیدی در برلین که همگی از فعالین سیاسی شهر هستیم، برای مراسم یاد بود زهرا کاظمی از شما بعنوان حقوقدان و یکی از مدافعین حقوق بشر در دو نهاد بین المللی و ایرانی حقوق بشری دعوت نمودیم تا از روند حقوقی پرونده زنده یاد زهرا کاظمی در این مراسم برای مخاطبین ایرانی و غیر ایرانی سخن بگوئید. لارنت فاش ابراهیم از جامعه بین المللی حقوق بشر، سایینه اشترونک از گزارشگران بدون مرز، استفان هاشمی فرزند زهرا کاظمی و پروانه حمیدی، هنرمند تئاتر سایر شرکت کنندگان این مراسم بودند. اما با کمال تأسف پس از پخش فراخوان مراسم یاد بود، در تاریخ ۲۵ نوامبر تلفنی به ما اطلاع دادید که (( به شما یک تلفنی شده و گفته اند خانم امیدی و یا حمیدی که در کنفرانس برلین لخت شده، هم در این مراسم شرکت دارد )) و (( اگر در برنامه سر و صدایی بشود از جلسه بیرون می آید و بعد از ۴۰ سال کار حوصله این جور کارها را ندارد )) و علیرغم توضیح ما مبنی بر اینکه چنین اتفاقی نمی افتد، شما بعد از دریافت چند ای میل دیگر از دوستانتان از المان موافقت قبلی خود را برای شرکت در جلسه پس گرفتید و علیرغم خواهش ما هیچ توضیحی در این رابطه به شرکت کنندگان مراسم ندادید. اما دیدیم که چنین اتفاقی نیفتاد و اعتراضی به شرکت خانم پروانه حمیدی نشد. این برنامه یکی از مراسم موفق در برلین شد. در این برنامه تعدادی از وکلا و قضات آلمانی نیز شرکت داشتند.

حال سؤال ما از شما به عنوان یکی از مدافعین حقوق بشر این است که شما بر چه اساسی خانم حمیدی را محکوم نمودید تا سابقه ۴۰ سال کار خویش را نجات دهید؟ آیا برای مدافعین حقوق بشر، شیوه اعتراض به نقض حقوق بشر باید از یگانگی صوری نیز بر خوردار باشد؟ آیا شکل اعتراض خانم حمیدی به نقض حقوق زنان و حجاب

قادینلار داغا قاشدیلا. شهرلرده و کندلرده آداملار گولله قاباغینا گوبوب و یا اوراق و پچاقینان باشلارنی کسیدیلر. مین لر یا خالانیب و حبسه آپاروب یا یوللاردا اولدوریدیلر. اما اساسی بودیر کی دموکرات فرقه سینین رهبرلری اوچورکه لازیمیدی خلقه اینانمادیلار، اونلاردان چوخی مقاومت سیز خالقی تک گوبوب آراز چاپین نان گچیب و قاشدیلا. آذرین ۲۱ گوسدردی که آذربایجان ملتینین رهبرلری، مرتجعلری و فتودالارین و اوباشلارین و اجنبی و شاه حکومتی نین توطئه لرینین قاباغیندا تدبیر ائدیموب و اونلارین فعللرینه اوبیدیلار. آذربایجان خالقی بو واقعه ده ن بیر بویوک درس آلمالیدیر. اودا بودورکی بو باشلامیش مبارزه ده گرک اوزینه و اوز تشکیلاتلارینا متکی اولوب وهیچ بیر خارجی قوه له ره امید باغلامیا، اوز ایچینده مرتجعلری یالانچی دموکراسی ادعا ایدنلری و اونلاری که مین طرفدن پول و ثروت و قدرت صاحبیلار باغلیدیلا تانیب و اونلارین یالانچی مقصدلرینی آشکار ایدمیلیدیلر.

ایندی اسلام جمهوریتی ۲۵ ایل حکومتین ده همان شاه ظلم و ستمینی آذربایجان خلقینین حقینده دوام ایدیر. بو رژیم قدرت و ثروت ما فیا لارینا خدمت ایدمک اوچون هر جنایت ال ویروب. خالقی فقر و فلاکته یتیشدیرب و مترقی انسانلاری یا خالیوب حبسه سالوب و یا اولدوریر. اما هامولیکجا بیلیریک کی اونوندا عمیری باشا چاتوب وتزلین گیتیلیدیر. آذربایجان خالقینین تاریخ بویی آزادلیق برابرلیک ومدنیت یولوندا مبارزه اسی و اوندان آیینان درس لر بونسیل و گه له جک نسللرین آزادلیق وسعادت یولینا ایشیق سالیر. خلقمیزین مبارزه سین ۲۱ آذر شهیدلرینین آرمانلارنی اوز اورگیمیزده ساخلیب و اونلار را دوام ویرملیک. توطئه لرین قاباغیندا دایانوب و آیری ایراندا یاشایان ملت لرینه ن اسلام حکومتی نی سرنگون ائدمک ایچون و واقعی دموکراسی، برابرلیک یارادماغ اوچون، زورنا، زنداننا، شکنجیه، ایشیزلیگه، فقره، استثمار و غارت و الوم والدورومه و ارتجاعی دالی قالمیش قانونلار سون گویماق اوچون و اوز سرنوشتیمیزی اله آلماق اوچون، ایا ق قالخب و ایران دا یاشایان آیری زحمتکش خلقلریله ال اله ویریب ایسلام جمهوریه تینی یره وروب و بیر فدراتیو و شورایی و آزاد و برابر سیستم یارادماقا چالیشاق. یاشاسین ۲۱ آذر شهیدلرینین آدی و خاطره سی،

نابود اولسون ایسلامیت جمهوریتی! یاشاسون فدراتیو و شورایی جمهوریتی!

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین

آذربایجان ایالتی کمیته سی

بقیه از صفحه قبل

((اخلاقی))، ((دینی)) و ((مرد سالارانه)) ای که از جانب تفکر مشخصی برای محکوم نمودن مخالفین جمهوری اسلامی طرح شد، محکوم به طرد می شود؟ و سخنرانی در کنار این شخص به مصلحت فردی اجتماعی و حرفه ای - حقوق بشری شما لطمه میزند؟ شما خود در نوشته هلسینکی و ما به تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۲ می نویسیم که: ((انتظار ما مدافعان حقوق بشر از حکومت اینستکه حد خود و ما را بشناسد و اگر با ما از در تناظر و گفتگو در راستای بهبود وضعیت ساختاری و عملی حقوق بشر در ایران می آید، متوقع نباشد که بر موارد نقض حقوق بشر چشم به بندیم. توقع ما از رقبا و مخالفان حکومت هم اینستکه جایگاه و موقعیت سازمان های حقوق بشر را تشخیص دهند و از ما نخواهند که مواضعی همچون سازمان های سیاسی اتخاذ کنیم و به دنبال براندازی باشیم و یا موافق یا مخالف اصلاح طلبان و جز این!؟ تهادر چنین زمینه ای است که سازمان های مدافع حقوق بشر، همچون دیگر نهاد های جامعه مدنی، جایگاه حقیقی خود را در جامعه کنونی و آینده ایران خواهند یافت و قادر خواهند بود که نقش خود را به عنوان میانجی بین شهروند و حکومت ایفاء کنند.)) (تأکید از ماست)

شما که به عنوان مدافع حقوق بشر نقش میانجی بین شهروند و حکومت را در شرایط کنونی برای خود قائلید باید توضیح دهید که آیا می توان با ((مدافعین حقوق بشر حکومت)) وارد مذاکره شد؟ آیا قوانین جهانشمول حقوق بشر با قوانین اسلامی حاکم با مجازات هایی از قبیل سنگسار و قطع اعضای بدن .... هم خوانی دارد؟ و آیا تشکیلات مستقل مردمی و یا ((نهاد های جامعه مدنی)) میتوانند در جمهوری اسلامی ایران تشکیل شوند؟ از جامعه کنونی ایران صحبت می کنید که پاسخ تلاش برای شکل یابی اعدام، قتل های زنجیره ای و سرکوب و دستگیری فعالین سیاسی و دانشجویی حتی از نوع اسلامی این است. آیا برآستی در چنین نظامی ((میانجی)) میان ((شهروند و حکومت)) شد؟

شاید در این صورت جای تعجب نباشد که به جای انتقاد به برگزار کنندگان کنفرانس برلین که در این حقوق بشر کوچکترین محل بحث و گفتگو نداشت، اعتراض خود را به منتقدین چنین سیاستی ابراز دارید که دقیقاً از این دیدگاه کنفرانس برلین را قبول نداشتند و به این معترض شدند. اعتراض خانم حمیدی بخش کوچکی از این اعتراضات بود. در ضمن ما وظیفه بر اندازی رژیم را نه به شما و نه به هیچ نهاد دفاع از حقوق بشر محول نمی کنیم و انتظار بر اندازی نیز

اجباری در ایران - حتی اگر به سلیقه شما و دوستانتان خوش نیاید - محکوم به حذف است؟ شاید لازم باشد که کمی به کنفرانس برلین و اعتراضاتی که در رابطه با این شکل گرفت، اشاره کنیم. این کنفرانس توسط نهاد هایبریش بل، نهاد نزدیک به حزب سبزهای آلمان که در قدرت بودند و هستند برای تحقق اهداف سیاسی دولت آلمان سازماندهی و برگزار شد. و در این موضوع حقوق بشر اساساً در دستور کار این کنفرانس نبود و کنفرانس باید به تحولات سیاسی و اجتماعی که قرار بود طبق دکترین های حامیان داخلی و خارجی رژیم جمهوری اسلامی ایران بعد از مجلس ششم در ایران اتفاق بیفتد می پرداخت، که خود در جریان این تحولات قرار دارید.

در نوشته تان که بعد از برگزاری مراسم به دست ما رسید اشاره کردید که ((شرکت دادن خانمی که در کنفرانس معروف برلین چنان نقش جنجال آفرینی داشت، نه تنها برای من قابل درک نیست که به کار دفاعی - حقوق بشری من به ویژه در پرونده حساسی چون این پرونده (زهرآ کاظمی) صدمه بسیار می زند)). و ((با توجه به اینکه سه تن از شرکت کنندگان کنفرانس برلین: حسن یوسفی اشکوری، اکبر گنجی و علی افشاری هنوز زندانیند)).

اما دستگیری شرکت کنندگان این کنفرانس چه ربطی به خانم حمیدی دارد؟ آیا نقش آقای افشاری در رابطه با اعتراضات دانشجویی و تأثیر افشاگری او در مورد اعتراف گیری تحت شکنجه منجر به دستگیری و زندانی شدن مجدد او نشد؟ و الی آخر.

آیا هیچ از خود پرسیده اید که پس چرا همه شرکت کنندگان این کنفرانس دستگیر نشدند. چرا آقای جلائی پور که تا آخر از کشتار خلق کرد دفاع کرد و برخی دیگر از شرکت کنندگان علیرغم ((لخت شدن خانم حمیدی)) دچار هیچ مشکلی نشدند. و یا زندانی شدن دو تن از مترجمان سفارت آلمان در تهران که اصلاً در کنفرانس شرکت نداشتند. ما بین شما و برخی از دوستانان حقوق بشر ایرانی که از شرکت با جلائی پور در یک جلسه استقبال کردند ولی به اعتراض خانم حمیدی معترض بودند، تفاوت قائل بودیم.

آقای لاهیجی!

شما به درستی در نوشته های تاکنونی خود از ((فرامرزی))، ((فراملی))، ((فراژادی))، ((فرا دینی)) و ((فرا جنسی)) بودن حقوق بشر و مبارزه مدافعان حقوق بشر تأکید کرده اید. حال چگونه است که در دادگاه قضاوت شما، اعتراض خانم پروانه حمیدی به حجاب اجباری و نقض سیستماتیک حقوق بشر به یکباره با معیارهای

بقیه در صفحه بعد





بقیه از صفحه قبل

**نامه سرگشاده جمعی از زنان ایرانی تبعیدی در برلین...**

از شما نداشته و نداریم. این وظیفه نیروهای سیاسی و اپوزیسیون ایران است که قصد گرفتن قدرت سیاسی را دارند و ما اینها را «رقبا»ی رژیم نمی‌نامیم.

آخرین سؤال ما از شما این است که آیا دعوت خود را به مراسم یادبود زهرا کاظمی در مقام ریاست و نائب ریاست جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر پس گرفتید؟ و آیا این دو نهاد به ویژه نهاد دوم معیارهای شما را در ارزشگزاری از شیوه اعتراض و به دنبال این حذف معترض، نمایندگی می‌کنند؟

جمعی از زنان ایرانی در تبعید برلین (گلی جهانگیری\_ افسر جوادی\_ میترا گوشه\_ سهیلا لپند هورست\_ میلا مسافر\_ فتحیه نقیب زاده\_ شهین نوائی\_ پریسا شایسته فر)

تحریریه:

نظام ص.

کلثوم سلطانی

مصطفی حبیبی وند

بهرام ص.

مسئول اجرایی نشریه بهرام ص.

نشانی‌های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست

www.fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

هیات سیاسی

politburo@fedayi.org

نشریه جهان کمونیستی

jahan@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو

azer@fedayi.org Azerbaijan committee

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست

+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

**پیام کمیته ایالتی آذربایجان به رفقای کمیته ولایتی کرج**

کارگران و زحمتکشان!

رفقای فدائیان کمونیست کمیته ولایتی کرج!

اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج "سازمان اتحاد فدائیان کمونیست" مبارک باد.

اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در تاریخ ۳۰\_۸\_۱۳۸۲ در یکی از قطبهای صنعتی ایران نوید سرآغاز مبارزه ای آگاهانه و سازمانیافته کارگران و زحمتکشان برای رهایی از ظلم، ستم و محو هرگونه استثمار و نابرابری جنسی و اجتماعی و اقتصادی و برقراری صلح و دوستی و برابری و ایجاد دموکراسی توده ای و سوسیالیسم است.

ما ضمن تبریک صمیمانه به کارگران و زحمتکشان فدائی و کمونیست و خلقهای زحمتکش ایران بخصوص رفقای کرج، گذار از مرحله پراکندگی و روی آوردی به مبارزات متشکل و سازمانیافته آگاهانه و هوشمندانه را در شرایط کنونی امری حیاتی در مبارزات توده ای می‌دانیم، امیدواریم دیگر رفقا و کمونیستهای فارس با ایجاد کمیته های ولایتی در سایر شهرها، کمیته ایالتی فارس را بوجود آورند. تا ملت‌های ساکن در ایران ضمن برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای تمامی ملت‌ها در سایه اتحاد آگاهانه و داوطلبانه در ساختار سیاسی جمهوری فدراتیو شورائی متشکل شوند و آلترناتیو جمهوری فدراتیو شورائی را در مقابل جمهوری اسلامی و انواع برنامه ها و توطئه های بورژوازی تقویت نمایند.

ما ضمن آرزوی موفقیت و کامیابی رفقای کمیته ولایتی کرج دست این رفقا را جهت همکاری به گرمی می‌فشاریم.

زنده باد اتحاد داوطلبانه و آگاهانه ملت‌ها



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم